



ژان روئو

جبهه‌های افتخار

ترجمه‌ی مریم خراسانی (حامد)

جهان

www.ketab.ir

ترجمه و انتشار این اثر با ۱۴۱۴ هـ. ش. و ناشر فرانسوی، انتشارات مینوتی، انجام می‌گیرد.

سرشناسه: رونو، ژان، ۱۹۵۲ م

Rouaud, Jean

عنوان و نام پدیدآور: جبهه‌های افتخار / ژان رونو؛ ترجمه‌ی مریم راسانی

مشخصات نشر: تهران، نشر چشمه، ۱۳۹۵

مشخصات ظاهری: ۱۷۸ ص

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۲۹-۸۰۷-۲

ترجمه و انتشار این اثر با آگاهی نویسنده و ناشر فرانسوی، انتشارات مینوتی، انجام می‌گیرد.

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا

یادداشت: عنوان اصلی: Les champs d'honneur, c1990

موضوع: داستان‌های فرانسه - قرن ۲۰ م

موضوع: French fiction - 20th century

شناسه‌ی افزوده: خراسانی، مریم، ۱۳۴۲، مترجم

رده‌بندی کنگره: PQ۲۶۶۷ / ۹۱ ج ۲ ۱۳۹۵

رده‌بندی دیویی: ۸۴۳ / ۹۲

شماره‌ی کتاب‌شناسی ملی: ۴۵۲۵۷۰۰



cheshmehpublication



cheshmehpublication

www.cheshmeh.ir

رده‌بندی نشر چشمه: ادبیات - داستان غیرفارسی - رمان فرانسوی

جبهه‌های افتخار
ژان رونو
ترجمه‌ی مریم خراسانی (حامد)

مدیر هنری: مجید عباسی

چاپ و صحافی: دارا

تیراژ: ۷۰۰ نسخه

چاپ اول: تابستان ۱۳۹۷، تهران

ناظر فنی چاپ: یوسف امیرکبان

چاپ و انتشار محفوظ و مخصوص نشر چشمه است.

هرگز اقتباس، استفاده، این اثر، مشروط به دریافت اجازه‌ی کتبی ناشر است.

۹۷۸-۶۰۰-۳۲۹-۸۰ ۲-۱۵

دستر مرکزی و فروش نشر چشمه:

تهران، کارگر شمالی، تقاطع بزرگراه شهید گداز، کوچه‌ی چهارم، پلاک ۲.

تلفن: ۸۸۹۰۷۷۶۶

کتاب‌فروشی نشر چشمه ی ۲، ح.

تهران، خیابان کریم‌خان زند، نبش میرزای شیرازی، شماره ۱۰۷.

تلفن: ۸۸۹۰۷۷۶۶

کتاب‌فروشی نشر چشمه‌ی کورش:

تهران، بزرگراه ستاری شمال، نبش خیابان پیامبر مرکزی، مجتمع تجاری ورزش، طبقه ۱، واحد ۴.

تلفن: ۴۴۹۷۱۹۸۸

کتاب‌فروشی نشر چشمه‌ی آرن:

تهران، شهرک قدس (غرب)، بلوار فرزادادی، نرسیده به بزرگراه نیایش، خیابان حافظی، نبش، طبقه ۱، واحد ۴.

مجتمع تجاری آرن، طبقه ۲.

تلفن: ۷۵۹۳۵۴۵۵

کتاب‌فروشی نشر چشمه‌ی بابل:

بابل، خیابان شریعتی، روبه‌روی شیرینی‌سرای بابل.

تلفن: (۰۱۱) ۳۳۴۷۶۵۷۱

کتاب‌فروشی نشر چشمه‌ی پریس:

تهران، پاسداران، نبش گلستان یکم، مجتمع پریس، طبقه ۲.

تلفن: ۹۱۰۰۱۲۵۸

مقدمه‌ی مترجم

درباره‌ی نویسنده

ژان رونو در ۱۳ دسامبر ۱۹۵۱، در قصبه‌ی کامپُن^۱ (لوآر آتلانتیک، در آن زمان لوآر سفلی)، در خانواده‌ای از طبقه متوسط به دنیا آمده است. در جوانی و نوجوانی با سرودن شعر به عرصه‌ی ادبیات گام می‌نهد. پانسیونر دبیرستان کاتولیک سن لوئی در شهر سن نازر^۲، پس از اخذ دیپلم ریاضیه فنی یک وارد دانشگاه نانت می‌شود و با درجه‌ی کارشناس ارشد ادبیات مدرن از این دانشگاه فارغ التحصیل می‌شود. پس از آن، برای امرار معاش، به شغل‌های گوناگون کوچک در می‌آورد و حدود ۳۶ شغل را تجربه می‌کند.

سال ۱۹۷۸ در روزنامه‌ی محلی نانت، به عنوان روزنامه‌نگار استخدام می‌شود. اندکی بعد، در خبرگزاری فرانس پرس، مشغول کار می‌شود و نویسنده‌ی ستون‌های می‌شود به نام «موضوعات محلی و بامزه»، و بعد هم، در روزنامه‌ی سوسیالیستی اومانیتیه، نگارش یک ستون هفتگی را عهده‌دار می‌شود و نیز در لیبراسیون و... سال ۱۹۸۱ راهی پاریس می‌شود، یکی دو سالی یک کیوسک روزنامه را اداره می‌کند و کمی بعد، با ژروم لندنون^۳، مدیر انتشارات مینوبی، آشنا می‌شود. همین

۱. Campbon

۲. Saint-Nazaire

۳. Jérôme London (۱۹۲۵-۲۰۰۱)

ناشر است که اولین رمان رونورا که در ۳۸ سالگی نوشته، به منصفی طبع می‌سپرد و نیز چهار رمان پس از آن را.

رمانی که پیش رو دارید اولین رمان اتوبیوگرافی رونوبه نام جبهه‌های افتخار است که به سال ۱۹۹۰ چاپ می‌شود و جایزه‌ی گنکور همان سال را از آن خود می‌کند و در ظرف کمتر از چهار ماه، نیم‌میلیون نسخه از این رمان به فروش می‌رود و به بسیاری از زبان‌های زنده‌ی دنیا ترجمه می‌شود. در طی این دهه به خاطر درآمد حاصل از فروش رمانش، از کیوسک‌داری دست می‌شوید و نویسندگی را به صورت حرفه‌ای دنبال می‌کند. در ادامه‌ی این رمان، چهار رمان دیگر می‌نویسد که همگی بر بنای رخدشت واقعی خانواده‌اش و خودش است: مردان سرشناس^۱، دنیا تا حدودی^۲، شش ماه برای شما^۳، بر صحنه آن‌سان که بر آسمان^۴. در این رمان‌ها به زوال زندگی روستایی، در فرانسه در اوایل قرن بیستم، اشاره می‌شود.

وی که از نوجوانی گیتار می‌زده و آواز می‌خوانده است، در ترانه‌سرایی و موسیقی هم دستی دارد و ترانه‌هایی را برای هالیویدی و ژولیت گرکو نوشته است. علاوه بر این‌ها، در نمایش‌نامه‌نویسی و سناریو نویسی هم طبع آزمایی کرده است. نمایش‌نامه‌های او از این قرارند: ساعات، سال^۵، فرار به چین^۶.

همچنین آثار نظری ژان رونو در باب مضامین ادبی، رمان، شعر و موسیقی، قابل توجه‌اند. وی معتقد است که ادبیات بهترین شکل شناخت جهان است. از آثار نظری او می‌توان به مجموعه کتاب‌های زندگی شاعران، اشاره کرد که دربرگیرنده تأملات نویسنده و دیدگاه‌های او درباره‌ی ادبیات، هنر و نویسندگی است.

در زمینه‌ی شعر، پل کلودل، پل الوآر و رمبورا تحسین می‌کند، و در تئرنویسی خود را وام‌دار فلوبر می‌داند. در عین آن‌که بالزاک، استاندال و ژان ژاک روسو را نیز می‌ستاید، سبک نوشتاری خود را بیشتر ملهم از سبک فلوبر می‌داند: کلماتی با دقت و وسواس انتخاب‌شده، نگارشی آرام و نرم، جملاتی موزون و تصاویری

۲. Pour vos cadeaux (۱۹۹۸)

۶. La Fuite en Chine (۲۰۰۶)

۵. Le monde à peu près (۱۹۹۶)

۷. Les Très Riches Heures (۱۹۹۷)

۱. Des hommes illustres (۱۹۹۳)

۴. Sur la scène comme au ciel (۱۹۹۹)

شاعرانه، معجزه‌ی موسیقایی کلام... همچون فلوبر که تلاش می‌کند قوانین موسیقایی حاکم بر شعر را بر نثر هم پیاده کند... در مصاحبه‌ای گفته که عاشق رمان مادام بوواری است.

از دیگر نویسندگان مورد علاقه‌ی او جک کروآک، نویسنده و شاعر امریکایی فرانسوی‌تبار، است که به پداه‌نویسی معروف است و نسل نویسندگان بیت^۱ را بنیان نهاده است. او کروآک را به خاطر همدردی عمیقش با انسان‌ها و جان بخشیدن به چیزها دوست دارد. رونو در جایی گفته است که گرایش زیادی به دنیا و حضور در آن ندا.

درباره‌ی رمان

در فضایی بارانی، از من و دوستانم و طوبیت اقیانوس اطلس، روایت زندگی شخصی نویسنده، در ناحیه‌ی لوار-آتلانتیک، در قصبه‌ی راندوم (که اسم واقعی‌اش کامبن است، همان زادگاه نویسنده)، با تاریخ فرانسه درهم می‌آمیزد. وقایع رمان بازه‌ی زمانی‌ای را دربر می‌گیرد که از جنگ جهانی اول شروع می‌شود و به دهه‌ی شصت میلادی ختم می‌شود. سال ۱۹۶۳، روز بعد از نوبل، در حالی که ژان یازده سال بیشتر ندارد، پدرش از دنیا می‌رود. مرگ پدر زخم عمیقی^۲ بام‌ناپذیری بر روح او به جا می‌گذارد. رمان درباره‌ی دو مرگ است که در ابتدای سال ۱۹۶۱، پس از مرگ پدر نویسنده، اتفاق می‌افتد؛ مرگ پدر بزرگ مادری، آلفونس، و مرگ عیاط قدیمی روستای ریانسه، که نام واقعی‌اش ریاه است، و یکی از عمه‌ها^۳ پدرش ماری، معلم سابق روستا. نویسنده صفحات زیادی به بررسی این دو شخصیت می‌پردازد. بعد مرگ‌های دیگری از راه می‌رسد؛ دو عموی پدرش، ژوزف و امیل، که در جنگ جهانی اول کشته می‌شوند (عنوان رمان از این موضوع برگرفته شده است)، والدین پدرش، آلین و پی‌یر، که به فاصله‌ی یک سال از هم می‌میرند.

جبهه‌های افتخار رمانی است درباره‌ی مرگ و زندگی. ژان رونو زندگی مردم

۱. Beat Generation؛ جنبش ادبی گروهی از نویسندگان در آمریکای پس از جنگ دوم جهانی.

ساده‌ای از طبقه‌ی متوسط روستایی را روایت می‌کند که جنگ و مرگ عزیزان بر زندگی‌شان سایه افکنده است، و بدین نمط نقبی می‌زند به حیات و مرگ عیسی مسیح. رمان اشارات فراوان به تاریخ مسیحیت، قدیسان و دوران باستان دارد و مضامین زمان، خانواده، جغرافیای منطقه‌ی لوآر سفلی، حافظه‌ی فردی، خانوادگی و جمعی، و جنگ جهانی اول (که فقط در آخرین صفحات به شکلی مستقیم به آن می‌پردازد) از بن‌مایه‌های آن هستند و بدین لحاظ یادآور رمان پروس است، در جست‌وجوی زمان ردست‌رفته است، با آن جملات طولانی که گاه یک صفحه‌ی کامل را دربر می‌گیرد. داستان تادم نظم زمانی نیست و اشارات زمانی اندکی در آن به چشم می‌خورد. فقط آن راوی که در مقام دانای کل است، زمانی خلاف عادت، نوستالژیک و بدون دیالوگ آن‌ها است که با نثری شاعرانه و موزون و گاه با شوخ طبعی و طنز و محبت و شرمی خاص توصیف کاراکترها می‌پردازد. نگارشی نرم، سرشار از لطف و ظرافت، با واژگانی غنی و بی‌گرافه بر روی اغراق. نویسنده با نگاهی شفاف و روشن بین، غنایی درونی به رمان بخشیده که در نوع خود بی‌نظیر است. توصیفات طولانی نویسنده و روان‌شناسی شخصیت‌ها، رمان‌نویسی رئالیستی را در ذهن تداعی می‌کند. با عنایت به این دیدگاه فلوربر درباره‌ی سبک که در مک‌ناتام با لوییز کوله درباره‌ی روند نگارش مادام بوواری به آن اشاره کرده، رونو نیز گاه به آن‌ها از درونش می‌جوشیده بی‌اعتنا مانده تا بتواند صادقانه واقعیت را واگوید. اما این حساس روی‌ها در علاقه‌ی خواننده برای پیش‌روی خلی ایجاد نمی‌کند. به بیانی، فقدان رمان‌نویسی است تا سرنوشت پرسوناژها به سرنوشت تمام فرانسوی‌ها و گاهی تمام آدمیان راه بخورد. رتو، بازبانی ساده، به دور از لفاظی، از انسان‌های کوچکی سخن می‌گوید که با آن‌ها در چنبره‌ی وضعیت‌های روزمره و خانوادگی اسیرند، حیات و سرنوشت‌شان ابعادی سترگ می‌یابد به عظمت بشریت و جهان هستی، ابعادی تراژدی‌گون و گاه حماسی. راوی از طریق روزنه‌ای به رمان راه می‌یابد، و حضوری نامحسوس دارد. نویسنده در عمق روایت جاری می‌شود و لحن خاص خود را از روایت می‌گیرد، چیزی را بر آن تحمیل نمی‌کند و همچون شاهی از بیرون وقایع را تعریف نمی‌کند.

به نقل از ابروواتوار، هفته‌نامه‌ی خبری فرانسه که ژان رونورا موزار لوآر سفلی لقب داده است، او به هنگام نوشتن این رمان به ساختار کنسرتو نظر داشته است: موومان اول: پدربزرگ مادری، موومان دوم: عمه‌ی پدری (موومان آرام در وسط)، موومان سوم: پدربزرگ پدری (آشنایی پدربزرگ مادری با پدربزرگ پدری). ژان رونو آخرین بخش جبهه‌های افتخار را در حال گوش دادن به سونات شماره‌ی ۸ موتسارت می‌نویسد.

یک نکته و تذکره‌ی ردانی

در برخی از فصول کتاب، اشاراتی به انجیل، عیسی مسیح و قدیسان و نیز به تاریخ عهد باستان و حتا آواهای فانتلور آن دوران می‌شود. از این رو برای درک بهتر خواننده از ارجاعات فرامتنی، ملحقاتی در الب پانوشت افزوده‌ام که امیدوارم شایسته و بایسته باشد. در طی ترجمه که یک ساله رمان برد، از مساعدت خانم مارگریت - بتاتریس ترهارد برخوردار شدم و برای رفع پاره‌ها و نکات ابهام‌آمیز از یاری بی‌دریغ نویسنده‌ی محترم، آقای ژان رونو، بهره‌جستم. صمیمانه سپاس‌گزار این بزرگواران هستم.